

مکتب امنیتی امام خمینی (ره)

(مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)^۱

ناقد: آقای علی احتشامی^۲ پژوهشگر ارشد امنیت ملی

مقدمه:

کتاب «مکتب امنیتی امام خمینی (ره)» با هدف «تبیین مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی» توسط جناب آقای دکتر «علیرضا خسروی» تألیف و در سال ۱۳۹۱ توسط انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر در یک مجلد ۳۸۱ صفحه‌ای در قطع وزیری با جلد شومیز به چاپ رسیده است. این کتاب در کتابخانه دیجیتالی دید نیز عرضه شده است.^۳

(۱) معرفی و نقد صوری:

(۱-۱) معرفی صوری کتاب: این کتاب برگرفته از رساله دکتری مؤلف در رشته روابط بین‌الملل دانشگاه تهران است و سعی کرده است با مرور بازخوانی گفتمان انقلاب اسلامی، مکتب امنیتی امام خمینی را در سه سطح فرانظری شامل: مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی، سطح میانی شامل: مفروضات، اهداف و اصول و مبانی امنیتی و سطح نظری شامل: موضوع، مرجع، سطح تحلیل، رویکردها، مرزها، مزیت و مسائل امنیتی کشف و تدوین نماید.

مطالب این کتاب پس از پیش‌گفتار و مقدمه در شش فصل به شرح زیر طبقه‌بندی و ارائه شده است:

فصل اول (۷۰-۲۵) با هدف ارائه مفاهیم و کلیات در دو گفتار ارائه شده است. گفتار اول این فصل به تعریف مفاهیم می‌پردازد و گفتار دوم فصل اشاره‌ای بر مکاتب امنیتی رئالیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم، مطالعات امنیتی انتقادی سازه‌انگاری اجتماعی و کپنهاک دارد. این فصل مختوم به نتیجه‌گیری است.

فصل دوم (۱۰۴-۷۱) به مبانی فرانظری مکتب امام خمینی اشاره دارد. در این فصل به مبانی معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی پرداخته شده است. مراتب انسان در مکتب امام خمینی به عنوان مبانی انسان‌شناسی این مکتب معرفی شده است.

فصل سوم (۱۴۴-۱۰۵) با عنوان «امنیت در اسلام از احادیث و روایات تا اسلام‌شناسی متمایز امام خمینی (ره)» از مکتب امنیتی حضرت امام به عنوان نگاه ویژه به امنیت یاد کرده است.

فصل چهارم (۲۲۰-۱۴۵) با عنوان «حکومت و تحقق امنیت حقیقی» به صورت مبسوط متغیرهای امنیت‌ساز در مکتب امام خمینی را معرفی کرده است.

مؤلف فصل پنجم این کتاب (۲۷۰-۲۲۱) را با عنوان «سطح مبانی مکتب امام خمینی»، به ارائه مفروضات، اصول و مبانی و اهداف امنیتی مکتب امام خمینی اختصاص داده و در انتهای این فصل، اندیشه صدور انقلاب اسلامی را مورد مطالعه قرار داده است.

در فصل ششم کتاب (۳۱۰-۲۷۱) با عنوان «سطح سوم مکتب امنیتی امام خمینی» به اجزای نظریه امنیتی پرداخته شده و مرجع، موضوع، مرزهای امنیتی، سطح تحلیل، روش‌شناسی، رویکردها و مزیت امنیتی مکتب امام خمینی به عنوان اجزای نظریه تحلیل شده است.

صفحات ۳۱۱ تا ۳۲۴ این کتاب نتایج نهایی تحقیق را ارائه نموده است. در ادامه پس از ارائه یادداشت‌های تکمیلی، منابع فارسی و لاتین کتاب معرفی شده است.

۱) خسروی، علیرضا (۱۳۹۱). «مکتب امنیتی امام خمینی (ره) (مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی)». تهران:

مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

۲) دانشجوی دکتری رشته امنیت ملی گرایش مطالعات امنیتی دانشگاه عالی دفاع ملی

۳) کد بازیابی: 3C37CD8

نویسنده در این کتاب به شرح و بررسی توصیفی و تحلیلی مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی ایران و تبیین مکتب امنیتی امام خمینی پرداخته است. مکتب امنیتی امام خمینی عبارت است از یک چهارچوب تئوریک و البته معطوف به عمل، که اولاً دارای مبانی فرانظری شامل معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مشخص باشد و ثانیاً مبتنی بر این مبانی فرانظری؛ مفروضات امنیتی، اصول امنیتی و اهداف امنیتی آن مشخص گردد و در نهایت این‌که سایر مفاهیم امنیتی هم‌چون: مرجع و موضوع امنیت، مسایل و چالش‌های امنیتی، روش‌ها و سطوح تحلیل امنیت، مرزهای امنیتی و مطالبی دیگری از این دست که در متون دینی از آن به اجزای نظریه امنیت یاد می‌شود، تبیین شود. این مکتب، مکتبی است دین‌بنیان که نه با مبانی مکتب رئالیسم همخوانی دارد و نه مشابه گزاره‌های مکاتب لیبرالیستی و سایر مکاتب مدرن و میانه دیگر است.

۲-۱) نقد صوری کتاب: کتاب از نظر شکل ظاهری تابع عرف استاندارد است: سرصفحه‌های سمت راست به نام کتاب و سرصفحه‌های سمت چپ به نام فصل اشاره دارد. در مواردی که لازم بوده مؤلفه سعی کرده است از زیرنویس‌های توضیحی استفاده کند. هرچند یادداشت‌های مفصل توضیحی به آخر کتاب منتقل شده است.

- این کتاب فاقد واژه‌نامه و نمایه است.
- در متن کتاب، نمودارها و جداولی وجود دارد که مرتبط با متن اصلی لیکن فاقد شماره است.
- شماره ارجاعات به پی‌نوشت‌ها از ابتدا تا انتهای کتاب به صورت مسلسل‌وار آمده نه به تفکیک فصلی. این نوع شماره‌گذاری در فصول آخر از زیبایی ظاهری کتاب کاسته است.
- برخی از منابع درون متنی متناسب با روش انتخاب شده APA نیست. مثلاً در بسیاری از ارجاعات درون متنی به‌ویژه زمانی که منبع مورد استفاده یکی از آثار امام است، نام کتاب به‌جای نگارنده کتاب نوشته شده است. مثلاً (صحیفه امام، ج. ۴، ص. ۱۸۷) در صفحه ۷۵ کتاب.
- در ارجاعات پایانی، به‌جای آن‌که قرآن کریم در صدر منابع قرار گیرد به ترتیب حروف الفبا در حرف (ق) جای داده شده است.
- در ارجاعات پایانی، برخی از جاهایی که از یک نویسنده چند اثر در یک سال به عنوان منبع معرفی شده، قواعد APA رعایت نشده است. «خسروی، علی‌رضا (۱۳۹۰)» و «جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)» نمونه‌هایی از آن است.

۲) معرفی محتوایی:

در این بخش سعی بر این است که خلاصه‌ای از مطالب کتاب با هدف معرفی محتوایی ارائه شود. لذا آن‌چه در ذیل این مبحث ارائه می‌گردد، نظریات ارائه شده توسط نگارنده در متن کتاب بر اساس اهداف تدوین شده است.

۲-۱) تعریف مفاهیم:

گفتمان: بیانگر ویژگی‌ها و خصوصیات تاریخی چیزهای گفته شده و چیزهایی است که ناگفته باقی می‌ماند. گفتمان‌ها سازنده موضوعات هستند و در فرآیند این سازندگی مداخله را پنهان می‌کنند. گفتمان متشکل از عوامل چندگانه و یک نظام دال‌هاست و نشان می‌دهد که چگونه یک متن ساخته و پرداخته می‌شود و به جهان اجتماعی ارزش و معنا می‌بخشد. (Sjostedt, 2007: 237)

مکتب: از لحاظ لغوی به معنای کتابت و نوشتن، زمان نوشتن و مکان نوشتن به‌کار رفته است. از لحاظ مفهومی، مکتب فکری به مجموعه یا گروهی از افراد اطلاق می‌شود که دارای ایده‌ها و برداشت‌های مشترک نسبت به یک رشته، فلسفه، باور، جنبش اجتماعی، جنبش فرهنگی یا هنری هستند. استاد مطهری در تعریف مکتب می‌گوید: «مکتب، یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی کمال خوب‌ها و بداه، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص است و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد می‌باشد.» (مطهری؛ ۱۳۷۸: ۵۴-۴۶)

دکترین امنیتی: در لغت به اشکال گوناگون از جمله: دیدگاه، الگو، خط‌مشی، راهنمای عمل و ... تعریف شده است. در فرهنگ انگلوساکسون با کاربرد آن در مسائل نظامی آن‌را به معنای چگونگی عمل، راهنما و روش بسیار نزدیک به‌کار برده‌اند. دکترین امنیت ملی به دیدگاه رسمی در بیان ملاحظات امنیت ملی اطلاق می‌شود. یک دکترین امنیتی مؤید شکل جدیدی از رفتار سیاست خارجی است که نه تنها معنای امنیت را مشخص می‌سازد بلکه بر کلیت دستور کار سیاسی نیز اثر می‌گذارد. یک دکترین از یک سو بیان‌کننده مشکل و از سوی دیگر ارائه‌کننده راهکار حل مشکل از نگاه دولت است (Sjostedt, 2007: 233-254). اجزای عینی یک دکترین امنیتی شامل: نظام امنیتی - راهبردهای امنیتی - برنامه‌های امنیتی و قواعد و دستورالعمل‌های امنیتی است.

ارتباط گفتمان و مکتب امنیتی: این ارتباط به‌طور خلاصه در زیر نمایش داده می‌شود:

گفتمان‌سازی ← ایجاد فهم مشترک بین مردم و همسو کردن همه یا اکثریت با آن ← مقبولیت نظریات ← گفتمان حاکم بر جامعه با ابعاد (سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی) ← مکتب امنیتی

گفتمان انقلاب اسلامی

مکتب امنیتی امام خمینی

هرم دکترین امنیت ملی: رأس آن‌را نظام سیاسی و پایه‌های آن‌را برآورد پیش‌بینی وضعیت امنیتی و اهداف و منافع امنیت ملی تشکیل می‌دهد و روح حاکم بر دکترین امنیتی، نظریه امنیتی است (عبدالله‌خانی؛ ۱۳۸۳: ۵۴-۳۷).

۲-۲) امنیت در مکاتب و نظریات موجود:

در دوران جنگ سرد، تئوری‌های معطوف به صلح و تئوری‌های مربوط به مباحث استراتژیک، دارای رابطه تقابلی و در ضدیت با یکدیگر بودند. از یک سو، نظریه‌پردازان صلح بر این باور بودند که استراتژیست‌ها عامدانه یا غیرعامدانه در خدمت مؤسسات و مراکز دفاعی هستند و بر این نکته تصریح می‌کردند که تئوری‌ها و تحلیل‌های استراتژیست‌ها در دامن زدن به مسابقات تسلیحاتی و تشدید و تداوم‌بخشی به روابط خصمانه موجود میان بلوک شرق و غرب نقش به‌سزایی داشته‌اند. از سوی دیگر، استراتژیست‌ها نیز در یک فضای تقابلی، نظریه‌پردازان صلح را افرادی خام می‌دانستند که با افکار خود، موجبات انحراف مقامات غربی از توجه بیش از پیش به قدرت دفاعی و نظامی را فراهم می‌ساختند.

مکتب رئالیسم و امنیت: این مکتب دربرگیرنده نظریه‌های متعددی است که طیف وسیعی از نظریات سنتی رئالیستی تا نظریات رئالیسم ساختاری همچون نئورئالیسم، رئالیسم تهاجمی و تدافعی را شامل می‌شود. مفروضات نظریات رئالیستی عبارتند از: سرشت بد انسان، دولت محوری، آنارشیک بودن نظام بین‌الملل، تعارض‌آمیز بودن نظام بین‌الملل، نقش محوری قدرت. رئالیست‌ها با نگاه تک‌بعدی به سرشت انسان، انسان را کنشگر عقلانی می‌دانند. بازیگری که صرفاً سیاسی است ابعاد دیگر نظیر اخلاق، مذهب و ... را نادیده می‌گیرد و صرفاً در راستای منافع، محاسبه و رفتار می‌کند. در این نگاه رفتار اخلاقی یا تظاهر و فریب است یا حماقتی که منجر به فنا خواهد شد. رئالیست‌ها با نگاه ماکیاولیستی ذات انسان را بد، ستیزه‌جو، حریص و قدرت‌طلب می‌دانند.

عوامل بقای دولت از نگاه رئالیست‌ها عبارتند از: گریزناپذیری جنگ، مشروعیت دکترین حمله پیش‌دستانه، مشروعیت دکترین دفاع پیشگیرانه، هوشیاری نسبت به تهدیدات بالفعل و بالقوه، توجه به قابلیت‌های رقیب، یافتن عوامل قدرت، تسلیم شدن در صورت پیش‌بینی باخت. به‌طور خلاصه دیدگاه مکتب رئالیسم به امنیت را در خصوص مقولاتی نظیر موضوع امنیت، تهدیدات امنیتی، مرجع امنیت و راهکار حفظ امنیت در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) موضوع امنیت، جنگ و نحوه مدیریت آن است. تحولات فنی و تغییر در دکترین نظامی، تنها می‌تواند شکل جنگ‌ها را دگرگون سازد و لذا جنگ و تنش همیشگی و اجتناب‌ناپذیر است.

ب) آنارشیک بودن نظام بین‌الملل عامل ناامنی و بروز تهدیدات پیاپی می‌باشد، لذا اهمیت آمادگی جهت مقابله با زور مؤکد است.

ج) مطالعه و تأمین امنیت بر مبنای مدیریت ناامنی است؛ چراکه اصالت با ناامنی است.

د) امنیت معطوف به دولت و مرجع امنیت دولت است.

ه) تهدیدات امنیتی تهدیدات خارجی است.

و) مهم‌ترین ابزار کسب امنیت، افزایش قدرت نظامی و دستیابی به قدرت بازدارندگی است.

ز) راهکار مقابله با ناامنی و بقاء خودیاری و اتحاد موقت نظامی است.

مکتب لیبرالیسم و امنیت: نظریات لیبرالی در رشته‌های مختلف مبتنی بر محورهای جوهری و اصول خاصی است که از جمله آن می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) تفکیک حوزه‌های فرد و جامعه و اعتقاد به اصالت فرد (اومانیزم)

ب) باور به امکان تحول در روابط بین‌الملل به شکل همکاری، کاهش تعارضات و نیل به صلح جهانی است (مشیرزاده؛ ۱۳۸۵: ۲۷).

ج) برداشتی خوب از سرشت انسان

د) ریشه ناامنی ناشی از محرومیت‌هاست؛ علت بسیاری از نزاع‌ها در انواع محرومیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حقوقی است. (عسگرخانی؛ ۱۳۸۳: ۳۰)

ه) در سطح ملی به دلیل وجود حکومت بر مبنای قرارداد اجتماعی، می‌توان شاهد برقراری صلح بود. اما چون در نظام بین‌الملل وضعیت آنارشیک حاکم است، جنگ میان حکومت‌ها همچنان وجود دارد. بنابراین جنگ، رابطه انسان با انسان نیست، بلکه رابطه دولت با دولت است که انسان‌ها به صورت تصادفی به عنوان سرباز مقابل هم واقع شده‌اند.

با اشاره به چند نظریه اصلی لیبرال، دلایل ناامنی و راهکارهای استنتاجی آن‌ها برای برقراری امنیت در روابط میان بازیگران استخراج می‌شود. نظریه پردازان صلح دموکراتیک، نظیر دوئل با استناد به شواهد تاریخی سه فرض مرتبط باهم را در تبیین دیدگاه‌های خود مورد توجه قرار می‌دهند:

(الف) دموکراسی‌ها باهم نمی‌جنگند؛ (ب) دموکراسی‌ها لزوماً صلح طلب نیستند یعنی ممکن است با دولت‌های غیردموکراتیک وارد جنگ شوند؛ (ج) امکان گسترش منطقه صلح میان دموکراسی‌ها وجود دارد (Doyle, 1986).

براساس این نظریه می‌توان نتیجه گرفت که ناامنی در سطح بین‌المللی به علت دموکراتیک نبودن برخی از کشورهاست و راهکار استقرار امنیت در سطح بین‌الملل، گسترش حکومت‌های دموکراتیک مبتنی بر ارزش‌های لیبرالی است که البته برای تحقق آن می‌توان به جنگ هم متوسل شد.

نظریه‌پردازانی مثل کوهن و نای با تأکید بر مفروضاتی نظیر تعداد کانال‌های ارتباطی میان جوامع و فقدان سلسله مراتب روشن در حوزه‌های موضوعی، بر این باورند که با گسترش کانال‌های ارتباطی و دستورکارهای متفاوت، اهداف دولت متنوع می‌شود و دیگر اهداف اصلی دولت‌ها امنیت نظامی نیست. بنابراین خشونت، جنگ و کاربرد زور به دلیل هزینه‌بر بودن آن کاهش می‌یابد و به جای آن بر تعداد بحران‌ها افزوده می‌شود. بر اساس این نظریه، هر اندازه وابستگی متقابل پیچیده میان بازیگران به سمت تقارن بیشتر حرکت کند، امکان صلح و امنیت جهانی بیشتر است.

مکتب مارکسیسم و امنیت: بر اساس این نظریه، دولت‌ها نهادهای اجتماعی-سیاسی و محور شرارت و در نتیجه علت جنگ و ناامنی هستند. مارکسیسم پاسخی به گسترش لیبرالیسم در قرن نوزدهم بود. این مکتب بر سه فرض اساسی استوار است:

(الف) بازیگران اصلی و واحد مناسب تحلیل، طبقات هستند. از نظر مارکس، ابزار و شیوه تولید در دوره‌های مختلف، موجب شکل‌گیری طبقات و رابطه نابرابر در آن دوره تاریخی گردید. این رابطه در دوران تسلط شیوه تولید سرمایه‌داری موجب شکل‌گیری دو طبقه بورژوا (سرمایه‌دار) و پرولتاریا (کارگر) می‌شود (Miller, 2008:182). جدول زیر مراحل مختلف تاریخی شکل‌گیری طبقات را بر اساس شیوه تولید نشان می‌دهد:

اشکال مختلف	کمون‌های اولیه	برده‌داری	فئودالیسم	کاپیتالیسم	کمونیزم
ابزار تولید	انسان	انسان	زمین	کارخانه	کارخانه
نیروی تولید	انسان	برده	دهقان	کارگر	پرولتاریا
طبقه مسلط	انسان	برده‌دار	فئودال	سرمایه‌دار	پرولتاریا

(ب) طبقات در جهت منافع اقتصادی مادی خود عمل می‌کنند و هر طبقه در کل در پی به حداکثر رساندن رفاه اقتصادی طبقه خود است. (ج) مبنای اقتصاد سرمایه‌داری، استثمار نیروی کار به وسیله سرمایه‌دار است. به این معنا که سرمایه‌دار، ارزش افزوده را غصب می‌کند و موجب می‌شود که کارگر حاصل تلاش‌هایش را دریافت نکند.

این فرض‌ها به ویژه فرض سوم مارکسیست را وامی‌دارد تا بر منازعه آمیز بودن و خصمانه بودن همیشگی روابط تأکید کند. برخلاف لیبرالیسم و رئالیسم که دولت را لازمه استقرار امنیت و نظم می‌دانند، مارکسیسم وجوب دولت را تنها تا زمان وجود اختلاف طبقاتی لازم می‌داند و معتقد است که پس از آن دولت لازم نیست.

مطالعات پسا اثبات‌گرایی و تکرر نظری: در دهه‌های اخیر قرائت دولت محور و نظامی محور مطالعات استراتژیک سنتی با چالش‌های اساسی مواجه شد. برخی از دلایل تغییرات حاصل عبارتند از:

(الف) گسترش بخش‌های امنیتی به اقتصاد، محیط زیست، فرهنگ و ... (ب) گسترش تعریف اهداف مرجع به جوامع، بازیگران غیردولتی، افراد و ... (ج) به چالش کشیدن مبانی تفکر رئالیستی و مفهوم امنیت مضیق. (د) بسط مفهوم امنیت. (ه) تمایل و عزم جدی محققین سیاست جهانی در برهم زدن رابطه خصمانه میان مطالعات صلح و استراتژیک. (و) ظهور و اهمیت مضاعف تهدیداتی نظیر جنگ‌های داخلی، منازعات قومی، جرایم سازمان یافته، تروریسم و پیوند خوردن آن‌ها با تهدیدات کلاسیک. (ز) ظهور اتحادیه اروپا به عنوان یک جامعه امنیتی. (ح) تحول مفهوم امنیت و ادغام حوزه مطالعاتی استراتژیک و صلح و نمود در قالب مطالعات امنیتی. (ط) تسری نظریات انتقادی امنیتی از حوزه جامعه‌شناختی به رشته روابط بین‌الملل.

والت مطالعات سنتی امنیتی را این‌گونه تعریف می‌کند: «مطالعات امنیتی را می‌توان تهدید، استفاده و کنترل نیروی نظامی تعریف کرد. این مطالعات در پی یافتن شرایطی است که احتمال استفاده از نیروی نظامی، بررسی شیوه‌های تأثیرگذاری استفاده از زور بر افراد، دولت‌ها و جوامع و توصیف سیاست‌های ویژه‌ای که دولت‌ها به منظور ایجاد آمادگی، جلوگیری یا مدیریت جنگ به کار می‌برند، ممکن می‌شود.» (Walt, 1991: 212) بوتس از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان در حوزه مطالعات امنیتی انتقادی، امنیت و آزادی را دو روی یک سکه می‌داند و معتقد است که آزادی امنیت را تولید می‌کند نه قدرت یا نظم.

سازه‌انگاری اجتماعی و امنیت: سازه‌انگاری به معنای قواعد، هنجارها و رویه‌ها به عنوان عوامل فکری تکوینی مانند پسااثبات‌گرایان و هم‌زمان به عوامل مادی مثل اثبات‌گرایان توجه دارد. مفروضات محوری و هستی‌شناسانه سازه‌انگاری به شرح ذیل است:

الف) علاوه بر ساختارهای مادی، بر اهمیت ساختارهای معنایی و هنجاری تصریح می‌کند. ب) هویت‌ها مهم هستند پس باید بر تفاوت‌های واحدها تأکید شود نه شباهت آن‌ها. ج) تأکید بر نقش متقابل ساختار - کارگزار: همه کنش‌های انسانی در فضای اجتماعی شکل و معنا می‌یابد.

مکتب امنیتی کپنهاگ: این مکتب بر خلاف منطق عینی‌گرایی نظریات رئالیستی و نیز منطق غالباً ذهنی نظریات ایده‌آلیستی حاکم بر مطالعات صلح، با نوآوری‌های مفهومی خاص، امنیت را نه پدیده‌ای عینی و نه لزوماً ذهنی بلکه پدیده‌ای بین‌ذهنی می‌داند. بنابراین مطالعه امنیت باید در پی درک این مهم باشد که امنیتی شدن چه زمانی دارای کارکرد مثبت است و چه موقع با شکست مواجه خواهد شد. (Guzzini, 2004: 5)

این مکتب تفسیر موسعی از امنیت ارائه می‌کند. برای این منظور ضمن شناسایی اهداف مرجع (نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی) تهدیدات وجودی هریک از آن‌ها را با حفظ منطق بقا - امنیت بررسی نماید.

موضوعات از منظر اندیشمندان این مکتب به سه دسته غیر سیاسی، سیاسی و امنیتی دسته‌بندی می‌شود و با تأکید بر اولویت نقش عاملیت بازیگران امنیتی‌ساز به برجسته‌سازی ذهنی بودن امنیت و نقش ذهن در فرآیند امنیتی‌سازی می‌پردازند. از طرفی بازیگران امنیتی‌ساز یا مرجع فاعلی امنیت را اعم از دولتی (سیاستمداران، بروکراسی‌ها) و غیردولتی (نهادهای بین‌المللی، جامعه مدنی، اشخاص، شرکت‌ها) مرجع مفعولیت امنیت را شامل مراجع پنج‌گانه (دولت، حاکمیت، اقتصاد، هویت و محیط زیست) و تهدیدات مورد نظر را تهدیدات وجودی می‌دانند و از همین طریق، مفهوم امنیت را به مسئله بقا پیوند می‌دهد.

۲-۳) بنیان معرفتی مکتب امام خمینی:

مبانی معرفت‌شناسی: در مکتب امام خمینی علی‌رغم مکاتب مادی و مدرن و حتی مکاتب پست‌مدرن، انسان با ابزارها و روش‌های مادی امکان شناخت حقیقت را ندارد و شناخت او محدود به ماده است. ایشان با نفی نگاه معرفتی متوقف در ماده، حد فهم و شناخت بشر در معرفت‌شناسی‌های مادی را فقط حد طبیعی می‌دانند. از طرفی ایشان، افکار ماورای طبیعت را نتیجه ادراک ناقص می‌دانند. منبع اصلی مبانی فکری امام خمینی کتاب و سنت است. منابع معرفتی در مکتب امام خمینی صرفاً منابع وحیانی، عرفانی، عقلانی و حسی نیست؛ بلکه تمامی معارف به ظاهر متضاد، ساری و جاری است. اما برخی ابتدای معرفت‌شناسی مکتب بر دین و آموزه‌های وحیانی را آسیب‌زا توصیف و آن‌را با تجربه تاریخی استیلای کلیسا بر زندگی مردم مقایسه می‌کنند و آن تجربه را به همه ادیان الهی از جمله اسلام تعمیم می‌دهند.

مبانی هستی‌شناسی: اصول مهم هستی‌شناسی در این مکتب عبارتند از:

الف) رابطه خالق با هستی مانند خورشید و اشعه آن است.

ب) لا مؤثر فی الوجود الا الله

ج) هدفداری آفرینش (غایت‌مندی) با دیدگاه برقراری پیوند صحیح بین دنیا و آخرت: الدنیا مزرعه الاخره.

مبانی انسان‌شناسی: انسان موجودی چندبعدی و دارای شئون، مراتب و جنبه‌های مختلف است: انسان نباتی، انسان حیوانی، انسان عقلانی. انسان دارای دو فطرت است: یکی اصلی (مخموره) و دیگری تابع (محجوبه).

امام خمینی انسان را اعجوبه‌ای دارای دو نشئه معرفی می‌کند: نشئه ظاهره و نشئه باطنه. نفس انسان از عالم غیب و ملکوت است که دارای مقامات و درجاتی است و هر درجه آن جنودی دارد رحمانی و عقلانی و جنودی شیطانی و جهلانی. از طرفی از نظر ایشان، انسان در کنار عقل از سه نیروی دیگر شامل قوه بهیمی و حیوانی، قوه غضبیه و سبعی و قوه وهمیه و شیطانی نیز برخوردار است. در تضارب این قوا هشت نوع انسان شکل می‌گیرد: انسان گاوصفت، انسان درنده‌خوی گرگ‌صفت، انسان شیطان صفت و انسان‌هایی با ترکیب این صفات و در انتها انسان عاقل. البته ایشان می‌فرمایند هر کدام از قوای وهمیه، غضبیه و شهویه در کنار قوای عقل منافع زیادی دارند و سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه ملکوتیه است.

در صفحاتی از این کتاب در متن با عنوان امام خمینی و سرشت انسان، به انسان‌شناسی از دید صدر المتألهین، شهید مطهری و علامه طباطبایی نیز پرداخته شده است.

۴-۲) امنیت در اسلام: از احادیث و روایات تا امنیت‌شناسی متمایز امام خمینی (ره)

این فصل که با ارائه معانی مختلف امنیت و ریشه‌یابی آن در مقدمه آغاز شده، امنیت را در آیات و روایات تشریح کرده است. در این زمینه از آیات متعدد قرآن و کلام ائمه علیهم‌السلام استفاده شده و سپس اهم مفاهیم تهدیدات امنیتی در قرآن به این صورت معرفی شده است: ظلم- فتنه- تعدی به حریم حقوق دیگران- افساد و ایجاد بی‌نظمی و اختلال در روابط اجتماعی. اسلام با نگاهی جامع، امنیت را در معنایی موسع مورد تأکید قرار داده و آیات و روایات متعددی پیرامون این معانی از سوی محققین و اندیشمندان حوزه تبیین امنیت در نظام سیاسی اسلام گردآوری و از منظرهای مختلفی نظیر سطوح امنیت (فردی، اجتماعی، ملی)، اهداف و قلمرو امنیت (امنیت داخلی و خارجی) و موضوع امنیت (نظامی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی و زیست‌محیطی) تقسیم‌بندی و مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بحث امنیت در فقه و معارف اسلامی باب مستقلی ندارد و در حوزه موضوعات گسترده‌ای مثل ایمان، صفات مؤمنین، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، دفاع فردی و عمومی، برقراری قسط و عدل، قضاوت، امانت، اجرای حدود الهی، برخورد با باغیان و باغیان، محاربان، اشرار و مفسدان، جاسوسان، رفع فقر و محرومیت، عدم سلطه بیگانگان و نوع تعامل با کفار و مشرکین مطرح شده است (اخوان کاظمی؛ ۱۳۸۶: ۱۱).

مکتب امنیتی امام خمینی با بسیاری از اسلام‌شناسان تفاوت دارد و معطوف به اسلام‌شناسی متفاوت و نگاه ویژه امام به امنیت است. در مقوله تفکیک‌ناپذیری دین از سیاست با اشاره به مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست در مکتب امام خمینی، عنوان شده است که از منظر گفتمان ایشان، که مسائل سیاسی دین اسلام را بیشتر از مسائل عبادی آن می‌دانند، امنیت نیز جوهر سیاست شرعی است و در همین راستا در استدلال تز جدایی دین از سیاست می‌فرمایند باید میان انبیاء الهی با ادیان منتسب به ایشان تفاوت قائل شویم. ایشان شناخت ناصحیح از اسلام را منحصر به بیگانگان و غیرمسلمانان یا دشمنان و ... نمی‌دانند. به نظر ایشان، برخی از اسلام‌شناسان هم شناخت صحیح از اسلام ندارند.

نویسنده کتاب با معرفی قیام برای خدا به‌عنوان شالوده مکتب امنیتی امام خمینی، معتقد است که در گفتمان حضرت امام حدود سی مرتبه به آیه شریفه «قل انما اعظکم بواجده ان تقوموا لله مثنی و فرادی» اشاره شده است. در مکتب امام خمینی مبحث امنیت با نوع تغییر و تبعیت و پذیرش این تنها موعظه خدا در قرآن، ارتباط مستقیم دارد.

در مکتب امام خمینی، تلفیق دین با سیاست در ساخت و ساختار حکومت، به امنیت، مفروضات امنیتی، اصول و مبانی، اهداف امنیتی و مقولات امنیتی نظیر مرجع، موضوع، چگونگی، مرزها، تهدیدات، چالش‌ها، استراتژی‌ها و سیاست‌های امنیتی شکل و جهت می‌دهد.

۵-۲) حکومت و تحقق امنیت حقیقی:

نگارنده در مقدمه این فصل، بحث را این‌گونه آغاز کرده است که مفهوم امنیت در گفتمان امام خمینی با مفهوم عام امنیت که در سایر مکاتب استعمال می‌شود، متفاوت است. ایشان در گفتمان خود اغلب از آرامش و طمأنینه سخن به میان آورده‌اند و کمتر از واژه امنیت به ویژه امنیت ملی استفاده کرده‌اند.

متغیرهای امنیت‌ساز در مکتب امام خمینی بدین شرح معرفی شده‌اند: حکومت و نظم- عدالت، پیشرفت و امنیت- تربیت- حریت- استقلال- قدرت- ایمان به خدا- تجلی قدرت الهی در قدرت ملت- مشارکت مردمی- وحدت.

برقراری نظم به‌عنوان نخستین رسالت حکومت و نازل‌ترین سطح از معنای امنیت در مکتب حضرت امام است، اما از طرفی مقدمه تحقق سایر اهداف امنیت است. با این نگاه ایشان در برقراری نظم و به تبع آن امنیت را قبل از همه بر عهده قوای نظامی و انتظامی نهاده‌اند و این قوا را اساس امنیت معرفی کرده‌اند. لیکن تحقق امنیت در معنای تام آن، نیازمند عوامل دیگری است که ریشه در تفاوت نقش‌های یک حکومت دینی از حکومت سکولار یا ضددینی دارد. بر این اساس، در حکومت دینی و در مکتب امنیتی مرز میان نهادهای امنیتی و غیرامنیتی در خصوص تأمین امنیت بسیار کمرنگ است.

عدالت: معرفی توسعه به‌عنوان متغیر امنیت‌ساز به نوع نگاه به آن بستگی دارد. توسعه و پیشرفتی که موجب غرور ملی شود ارتقا دهنده امنیت است اما توسعه با دیدگاه لیبرالیستی و مارکسیستی، ممکن است مسیر مکتب را دچار اعوجاج اساسی نماید و در صورتی که مبتنی بر هدف محوری عدالت نباشد، نافی امنیت است. عدالت نیز یکی از بارزترین مفاهیم گفتمان انقلاب اسلامی و امام خمینی است. از منظر ایشان، بدون عدالت، امکان شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های انسان میسر نیست.

تربیت اقشار اگر به هم‌سو و هم‌هدف شدن آن‌ها منجر شود، می‌تواند قضاوت آن‌ها را نسبت به فرد، گروه یا حکومت مثبت کند و در این صورت امنیت و رفاه آنان تأمین می‌شود و قضاوت منفی موجب تضعیف امنیت و آسایش خواهد شد. در این زمینه نقش روحانیت اصیل و

نهادهای آموزشی به‌ویژه دانشگاه بسیار بارزتر است. در نگاه امام خمینی، دانشگاهی می‌تواند در ایجاد امنیت، سعادت، وحدت ملی و همبستگی نقش ایفا نماید که خود در تمامی ابعاد و به‌ویژه پرورش رجال کشور توحیدی شود.

حریت: در مکتب امام خمینی، آزادی به‌عنوان یکی از عناصر دخیل در امنیت به شمار می‌آید اما نه فقط تنها ارزش نیست بلکه معنای آن را هم مرجع امنیت یعنی اسلام تعیین می‌کند. رابطه بین آزادی و امنیت یک رابطه دوسویه است: از یک سو، آزادی در تأمین و تضمین امنیت مساعدت می‌کند و از دیگر سو، امنیت نیز فضا و گونه‌های گسترده تحقق آزادی را برای افراد و نهادها بسط و گسترش می‌دهد. از طرفی آزادی بدون استقلال از نگاه حضرت امام خمینی آزادی وارداتی است و جز بردگی نظام استکباری نخواهد داشت.

تصریح همیشگی امام بر اولویت قدرت معنوی و الهی به معنای نفی قدرت مادی نیست که چرا به استناد تأکیدات قرآن و ائمه معصومین علیهم‌السلام، توجه به قدرت اقتصادی و نظامی و کسب برتری نسبت به دشمن، موجب خوف و ترس دشمن شده و او را از فکر تعدی به مسلمین باز می‌دارد و این موضوع از تأکیدات همیشگی امام خمینی بوده است. هرچند ایشان میان اتکا به قدرت مادی و ابزارها و تسلیحات نظامی با اهمیت و ضرورت در اختیار داشتن چنین سلاح‌هایی تمایز قائل می‌شوند و بر این باور هستند که اتکا به ابزار نظامی و غفلت از خداوند متعال انسان را به ورطهٔ هلاکت می‌کشاند. حال جوهر قدرت معنوی ایمان به خداست و قدرت الهی در قدرت ملت تجلی می‌یابد.

یکی از بارزترین شاخص‌های مکتب امام خمینی، برون‌سپاری امنیت یا مسئولیت‌دهی به مردم برای تأمین امنیت است. تاریخ نهضت و سپس انقلاب نشان می‌دهد که بسیاری از چالش‌ها و بحران‌های امنیتی نظام بدون حضور، همراهی و حمایت مردم از مبانی حکومت وابسته به همراهی، حضور و مشارکت مردم است، ناامنی و سقوط آن نیز با بی‌تفاوتی مردم ارتباط مستقیم دارد.

هویت ملی: در کلام امام هويت آمده است اما هويت ملي ديده نمي‌شود. امام هويت و مليت ايراني را در سايه اسلام مي‌داند نه صرفا ايرانيت و مي‌فرمايند: «مليّت، حدودش حدود اسلام است...» و فرياد مليت را در لواي «پان ايرانيسم» قبول ندارند. از طرفي با توجه به اين که در آيات الهی، امت اسلام از جايگاه اصلي برخوردار است، امام نيز هويت جمعي را در نگاه کلان مترادف با «امت» تعريف مي‌کنند. وجه بارز تمايز مفهوم امت از ملت در جنس آن است که از جمله نشانه‌های ساختاری امت می‌توان به وسعت (عدم محدودیت جغرافیایی و سرزمینی)، عمق معنایی، اخوت، عبودیت و همگرایی اشاره نمود و در نهایت هويت ايرانيان در نگاه امام، فرهنگ ديني است. از طرفي امام هويت ديني را از هويت سياسي غيرقابل تفكيك مي‌دانند. هويت سياسي در طول هويت ديني و از جنس دين است. لذا هويت سياسي به معنای سياسي کردن هويت نيست.

هويت و امنيت: در مکتب امام، آن چه موجب مخدوش شدن يا پي‌درپي برهم زدن هويت است، همان «دگر» اوست و سستي يا تسليم شدن در برابر دگر، موجب فروپاشي هويت و ناامني مي‌شود.

اصالت يافتن امت به‌جای ملت با تأثیر بر هويت، مفهوم امنيت ملي را از سرزمين پايه خارج مي‌سازد. در امنيت امت‌محور يا عقیده‌بنیان، تهديدات، فرصت‌ها، آسیب‌ها، مقدورات و محذورات معنایی ديگر مي‌يابد.

در کلام امام مسائل امنیتی معطوف به دو دسته از مؤلفه‌های هويت ديده مي‌شود: مؤلفه‌های ديني و مؤلفه‌های ملي. در خصوص مؤلفه‌های ملي مي‌توان از زبان ملي، تاريخ کشور، مرزهای جغرافيايي، تجزيه‌طلبي، استقلال‌طلبي و توسعه‌طلبي ياد کرد. مؤلفه‌های اصلي هويت‌ساز يعني دين و هويت ديني نيز مورد تهديدات امنيتي قرار مي‌گيرند:

الف) ملي‌گرایی تهديدی است برای هويت ديني: ملي‌گرایی، نژادگرایی و دیدگاه‌هایی نظير پان‌ترکيسم و پان‌ايرانيسم باعث تقليل‌بخشی اولويت دين هستند.

ب) استحاله‌طلبي روشنفکران غرب‌زده و غرب‌زدگی نيز در مسير مستحيل نمودن هويت ايراني در فرهنگ و ارزش‌های غربي است.

ج) از ساير تهديدات هويت ديني و اسلامي مي‌توان به فرهنگ وارداتي و انحرافات فکري و عقيدتي اشاره کرد.

هويت به‌عنوان سلسله رابطه وحدت، استقلال و تربيت با امنيت عمل مي‌کند.

۶-۲) مبانی مکتب امنیتی امام خمینی (مفروضات، اصول، مبانی و اهداف امنیتی)

الف) مفروضات: مفروضات مکتب امام همه آيات قرآن هستند. اما در مقوله امنيت چند آيه از سوي ایشان بارها تکرار شده و به نگرش ایشان به مسايل امنيتي تأثير به‌سزايي داشته است. اين آيات عبارتند از: (محمد- ۷) (آل عمران- ۱۲۶) (نساء- ۱۰۴) (فصلت- ۳۰) (عنکبوت- ۶۹) (قصص- ۵) (نساء- ۷۴).

ب) اهداف: اهداف امنيتي در مکتب امام خميني با ساير مکاتب به دو دليل تفاوت اساسي دارد: اول) نوع نگاه متفاوت ایشان به حکومت. دوم) امنيت امت‌محور به‌جای ملت‌محور که سطح اهداف را از ملي فراتر مي‌برد. مهم‌ترين اهداف آرمانی امام خميني عبارتند از: ۱) زمينه‌سازي برای برقراري حکومت جهاني اسلام. ۲) اجرائ احکام اسلام. ۳) برپاسازي عدل و دادگري. ۴) توحيد ناب و شناخت خدا.

ج) اصول و مبانی: این مکتب بر سه اصل محوری بنا شده است: (۱) تکلیف محوری (۲) حفظ و بقای حکومت (۳) توانایی. خروجی این مثلث «مصلحت» است.

د) مرجع امنیت: در مکتب امام خمینی اسلام است و در اسلام منشأ امنیت خداست. این مرجع‌شناسی ریشه در باور ذوابعاد بودن، جهان‌شمولی، فرازمانی و فرامکانی بودن آن دارد. مقصود از امنیت در مکتب امام خمینی، بیش از هر چیز امنیت هستی‌شناختی است. در این مکتب مرجع، مسئول و مجری امنیت از هم متمایز هستند. در مکتب امام، همه از پیامبر اعظم (ص)، ائمه معصومین، علمای دین و ولی فقیه، نهادهای اجرای حکومت و تمام مردم در قبال مرجع امنیت مسئولند.

از طرفی امت اسلامی، همان‌گونه که در مقابل اسلام مسئولند، در مقابل قرآن ناطق یعنی پیامبر و ائمه معصومین هم مسئولیت دارند. یعنی آنان هم به نحوی تجلی مرجع امنیت هستند. با همین سلسله مراتب در زمان غیبت، ولی فقیه هم مرجع امنیت محسوب می‌شود. باید توجه داشت که اصالت با مرجعیت اسلام است و مرجعیت امنیتی حاکم تبعی است و تا زمانی موضوعیت دارد که او خود را مسئول مرجع حقیقی امنیت (اسلام) بداند.

ه) موضوع امنیت در مکتب امام خمینی جنگ است که متأثر از نظام ارزشی حاکم بر اعتقادات و گفتمان ایشان، از آن به‌عنوان جهاد یاد می‌کنند که به دو نوع جهاد اکبر و جهاد اصغر تقسیم می‌شود. البته ایشان با اشاره صریح به این که «جنگ ما دفاع است، هجوم نیست و جنگ دفاعی از تکلیف‌های شرعی و وجدانی و انسانی همه است.» بر نفی جنگ‌طلبی و اصالت صلح‌طلبی برای همه ملت‌ها و کشورها تأکید می‌کنند و از طرفی بر سازش‌ناپذیری و آمادگی همیشگی امت اسلامی برای جهاد و مبارزه تأکید می‌شود. بدیهی است جهاد در راه خدا محصور به جهاد نظامی نیست و متناسب با ابعاد امنیت، جهاد نیز موضوعیت می‌یابد: جهاد فکری، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی و

و) مرزهای امنیتی: مرز عرفی (قراردادی) مرزهای سرزمینی است که بر حسب اقتضائات ضرورت و مرز عقیدتی علی‌القاعده اصالت دارد. در مکتب امام خمینی دفاع از مرزهای سرزمینی و جغرافیایی نه صرفاً وظیفه ملی که واجب شرعی خوانده می‌شود. اما مرزهای امنیتی مدنظر این مکتب، همان مصالح اسلام و مسلمین است و محتوای مرزهای اجرایی، احکام اسلام است.

ز) سطح تحلیل: در مکتب امام خمینی، سطوح تحلیل نیز به واسطه مرزهای امنیتی و متأثر از هویت تعریف شده در این مکتب جنبه‌ای عقیدتی و معنایی می‌یابد که با سطوح تحلیل در سایر مکاتب فرق دارد. بر خلاف سطوح تحلیل در سایر مکاتب که به صورت «خرد و کلان» یا «ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی» ارائه شده است، در این مکتب، سطح تحلیل «مستضعفین و مستکبرین» است که سطح تحلیل برخی از محققین و متفکرین اسلامی (دارالاسلام و دارالکفر) را نیز متحول نموده است.

مستکبر و مستضعف تابع مرزهای جغرافیایی نیستند ولی وجود مستضعف همیشه به دلیل وجود مستکبر است. بر اساس تعریف ارائه شده توسط ایشان، مستضعفین تنها مسلمانان نیستند.

ح) روش‌شناسی امنیتی: از لحاظ مبنایی، روش‌شناختی امام در تبیین مسائل امنیتی و نیز ارائه نظریه یا حکم نهایی پیرامون یک مسئله امنیتی با مبانی فرائضی ایشان به‌ویژه انسان‌شناسی رابطه مستقیم دارد. بر این اساس، امام به سه نوع نظریه یا روش ذیل برای ارائه نظریه اشاره می‌کند:

الف) نظریه بی‌طرف (ب) نظریه ناشی از طرفداری از یک جریان (ج) نظریه ناشی از مخالفت با یک جریان. که البته از نظر امام، نظریات گروه‌های (ب) و (ج) نظریاتی ناسالم هستند. در نظر امام هر نوع نظریه‌ای که از روی حب و بغض نظریه‌پرداز باشد، مذموم است. علی‌رغم غیرممکن بودن نظر محض، ایشان برای رهایی از انحراف معیاری را معرفی می‌کنند و این معیار عمل به تکلیف است و به همین علت دستور کار عملی ایشان، لزوم عدم وابستگی نهادهای دخیل در امنیت به جریان‌های سیاسی است. در مکتب امام خمینی، روش تفسیری در مسیر تولید اطلاعات و برآوردهای اطلاعاتی جایی ندارد. مخصوصاً آن که مبنای تفسیر یک کنش، اهمیت و نتایج بعدی آن باشد. در چنین شرایطی نهادهای امنیتی به‌جای تلاش و تمرکز بر جمع‌آوری اخبار و داده‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات، به تفسیر پرداخته و وارد چرخه معیوبی می‌شوند که نتیجه مطلوبی نخواهد داشت.

ط) رویکرد امنیتی: رویکردهای امنیتی این مکتب متناسب و متناظر با اصول محوری آن می‌باشد. این رویکردها عبارتند از: الف) نفی سیاست گام‌به‌گام (متناظر با تکلیف‌محوری) ب) فرصت‌محوری (متناظر با اصل توانایی) ج) دفاع تهاجمی (متناظر با اصل بقای حکومت) از درون سه رویکرد مرتبط به هم فوق، با تحلیل مستندات متعدد می‌توان راهبرد کلان امنیتی در مکتب امام خمینی را در «بازدارندگی» خلاصه کرد که متناظر با «مصلحت» به عنوان خروجی مثلث اصول محوری است.

ی) مزیت امنیتی مکتب امام خمینی: مهم‌ترین مزیت‌های ملموس و قابل مشاهده مکتب امنیتی امام خمینی عبارتند از:

اول) ظرفیت ناشی از تکلیف محوری: مکلف ادای تکلیف را مشروط به اخذ پاداش مادی از مرجع نمی‌داند، بلکه آن را وظیفه‌ای شرعی و الهی می‌داند. این ظرفیت به دلیل ماهیت غیرمادی بودن آن نقش ویژه‌ای در بقا و امنیت حکومت و مرجع حقیقی امنیت ایفا می‌کند. دوم) احدی‌الحسنین، منطبق حاکم بر مکتب امام خمینی: این منطق که ریشه در تکلیف محوری و ایمان به خدا دارد، ترس را به‌عنوان اصلی‌ترین مانع ورشکستگی و عامل سازش طلبی بی‌اعتبار می‌سازد و در عوض چنان ترس و وحشتی در دل مستکبرین ایجاد می‌کند که توانایی آنان را به چندین برابر تقلیل می‌دهد.

به‌هرحال مهم‌ترین مزیت مکتب امام خمینی نسبت به مکاتب دیگر، ابتنای آن بر دین و ایمان و قدرت فائقه و مطلق آن است.

۳) نقد محتوایی:

یک نظریه و مکتب امنیتی از عناصر و مؤلفه‌های مختلفی تشکیل شده است. اما غالباً هفت عنصر و مؤلفه از اهمیت بیشتری برخوردار است. این مؤلفه‌ها عبارتند از: مفهوم امنیت- ابعاد امنیت- مرجع امنیت- سطح امنیت- دوست و دشمن (خودی و غیرخودی)- روش‌های تحصیل امنیت- راهکارهای استراتژیک امنیتی.

در صورتی که نوشتاری در صدد بحث راجع به مکتب امنیتی باشد یا بخواهد مکتب امنیتی را ارائه نماید باید حداقل پاسخی برای هفت عنصر فوق ارائه نماید. حال بررسی می‌نماییم نحوه پاسخگویی این کتاب به سؤالات مذکور چگونه است.

۳-۱) مفهوم امنیت: در این کتاب برای ارائه مفهوم امنیت از مبانی و مفاهیم در فصل دوم تا مقایسه نگاه امام و سایر اسلام‌شناسان به مفهوم امنیت در فصل سوم سخن به میان آمده است. اما در نهایت مفهومی ساده‌ای یا بسیط از امنیت ارائه نشده است. لک‌زایی در تعریف امنیت در مکتب اسلام گفته است: «الف» از تعرض «ب» مصونیت دارد تا به وضعیت «ج» برسد یا در وضعیت «ج» قرار گیرد. به نظر وی امنیت با بقای ابدی پیوند خورده است، یعنی تقدم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی. (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹)

۳-۲) ابعاد امنیت: علی‌رغم آن که در فصل اول کتاب، مکاتب امنیتی مادی معرفی شدند و ابعاد امنیت از دیدگاه این مکاتب چه با رویکرد سنتی (دید مضیق) و چه رویکرد جدید (دید موسع) به این ابعاد اشاره شده است. اما به این ابعاد صرفاً در محل موضوع امنیت اشاره شده و تنها از آن نامی به میان آمده است: فردی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی- سیاسی- زیست محیطی- قضایی.

این در حالی است که درویشی (۱۳۸۹) امنیت را از یک منظر از دیدگاه امام خمینی دارای دو بعد معنوی و مادی می‌داند که بعد مادی امنیت مشتمل بر ابعاد سیاسی- اقتصادی- فرهنگی و اعتقادی- نظامی- هستی‌شناختی و هویتی- زیست محیطی معرفی کرده است که البته مهم‌ترین بعد از ابعاد مادی را بعد سیاسی آن می‌داند. (درویشی؛ ۱۳۸۹) و محبوبی و همکارانش (۱۳۹۲) نیز به بعد اجتماعی به صورت اختصاصی پرداخته‌اند. (محبوبی، موسوی، الماسی؛ ۱۳۹۲)

لک‌زایی (۱۳۸۹) معتقد است که امنیت در دیدگاه امام خمینی، هم بعد سلبی دارد و هم ایجابی. و در این ابعاد، امنیت را به انواع سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، جهان اسلام، جهانی تقسیم می‌کند. (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹)

امیرخانی (۱۳۹۰) نیز موضوع امنیت را در رویکرد بعد محور تشریح کرده است و در آنجا ابعاد امنیت از دیدگاه امام خمینی را شامل ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، اخلاقی (دین) و امور قضایی می‌داند. (امیرخانی؛ ۱۳۹۰)

۳-۳) مرجع امنیت: همانگونه که قبلاً اشاره شد، در این کتاب آمده است مرجع امنیت از نظر امام خمینی، اسلام است و تمام سلسله مراتب پیامبر اعظم، ائمه معصومین، علمای دین و ولی فقیه، نهادهای اجرای حکومت و تمام مردم در قبال آن مسئول هستند پس مرجع اصلی امنیت اسلام است و سایر مراجع تبعی محسوب می‌شوند و تا زمانی به‌عنوان مرجع اصالت دارند که خود را مسئول مرجع اصلی (اسلام) بدانند. گروه مطالعاتی امنیت معتقد است با تأمل در نظریات بنیانگذار جمهوری اسلامی، می‌توان دریافت که ایشان بر حفظ سه مرجع یا واحد اساسی تأکید عمده داشته‌اند و در عین حال حفظ هریک از آن‌ها را با دیگری مرتبط دانسته‌اند. این سه مرجع عبارتند از: اسلام، نظام اسلامی، مردم (گروه مطالعاتی امنیت؛ ۱۳۸۷:۱۸۲)

لک‌زایی معتقد است که از نظر امام خمینی، مرجع امنیت متناسب با نوع امنیت متفاوت است. مرجع امنیت اقتصادی، حفاظت از مالکیت است. مرجع امنیت سیاسی، حفاظت از آزادی و حقوق سیاسی شهروندان و جلوگیری از دیکتاتوری و استبداد است. مرجع امنیت قضایی نیز حفاظت از عدالت و مرجع امنیت فرهنگی، حفاظت از ارزش‌های اسلامی است (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹).

امیرخانی معتقد است که مرجع امنیت از نظر امام خمینی دارای سه کانون است و هر کانون باید به سؤالات «امنیت چه کسی؟ تولید امنیت توسط چه کسی؟ و تعریف امنیت توسط چه کسی؟» پاسخ دهد. امام مرجع اصلی و ذاتی در تعریف و تبیین امنیت را ذات اقدس الهی می‌داند که عینیت آن در اسلام و جمهوری اسلامی تبلور می‌یابد. اما تأکید دارند که گرچه مرجع اصلی امنیت در حکومت مبتنی بر دین اسلام، کلام خدا، روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) است اما به معنای عینی می‌توان مرجع امنیت را در ایده حکومت (جمهوری اسلامی)،

نهادهای (ولایت مطلقه فقیه، قوای سه‌گانه، روحانیت و ...) و پایگاه اجتماعی (مردم، گروه‌ها و ...) با محوریت اسلام ناب تعریف کرد. (امیرخانی؛ ۱۳۹۰)

۴-۳) سطح امنیت: نگارنده سطح تحلیل امنیت را در اندیشه‌های امام خمینی، «مستضعفین و مستکبرین» قید نموده که متأثر از تعریف هویت در این مکتب و خارج از مرزهای جغرافیایی است.

لک‌زایی با نگاهی دیگر به مکتب امنیتی امام خمینی، سطوح و لایه‌های امنیت در این اندیشه را معرفی کرده است. به نظر وی امنیت سه سطح و لایه دارد: سطح اول- حوزه باورها شامل عقلی، اعتقادی، فلسفی و کلامی. سطح دوم- حوزه گرایش‌ها شامل سطوح قلبی و اخلاقی. و سطح سوم- حوزه رفتارها شامل سطح ظاهری، فقهی و مادی است (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹ و لک‌زایی؛ ۱۳۹۳).

امیرخانی زاویه دید امام را چندوجهی توصیف می‌کند که متوقف در یک سطح تحلیل نیست. وی معتقد است که در بیانات امام، تمامی سطوح تحلیل، از خود گرفته تا جامعه و دولت و منطقه و جهان لحاظ شده است. در عین حال همه این‌ها در طول هم بوده و افتراقی بین آن‌ها نیست. اما به اعتقاد وی، سطح تحلیل اصلی امام، عقیده است. (امیرخانی؛ ۱۳۹۰)

۵-۳) دوست و دشمن (خودی و غیر خودی): هرچند نگارنده اشاره مستقیمی به این موضوع نکرده است اما به صورت پراکنده در جاهایی اشاره شده است که تقابل مستضعف و مستکبر در سطح تحلیل امنیت نمونه‌ای از آن است. این تقابلات در جاهای دیگر نیز دیده می‌شود. مثلاً در موضوع امنیت نگارنده اذعان می‌دارد: «به دلیل ماهیت سیاسی امنیت، بحث از امنیت و موضوع آن در اسلام با فرض وجود رابطه دوستی و دشمنی موضوعیت می‌یابد، چه اینکه اصولاً رابطه تقابلی - با مفاهیم و معانی ویژه همچون حق و باطل، هدایت و ضلالت، مستکبر و مستضعف - در کانون امر سیاسی در معرفت دینی و قرآنی قرار دارد.» (خسروی؛ ۱۳۹۱: ۲۸۰) نویسنده معتقد است که در مکتب امام خمینی، میان تبیین موضوع امنیت در سطح نفسانی انسان (انسان‌شناسی) با آن‌چه که در طبیعت و در قالب حزب‌الله و حزب‌الشیطان بروز می‌کند، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد (همان؛ ۲۸۱). نفس در مراتب و مقامات مختلف دارای جنود شیطانی (جهل) و رحمانی (عقل) است که به دلیل تقابل با یکدیگر، وضعیتی جنگی حاکم است.

لک‌زایی این مبحث را در معرفی کارگزاران از دید امام خمینی تشریح می‌نماید. کارگزاران امنیتی (خودی) عبارتند از: یک. عوامل ماورایی از قبیل خدا و فرشتگان. دو. عوامل انسانی، یعنی رهبران الهی (نبی، امام و فقیه)، نخبگان (فکری و ابزاری) و مردم. سه. عوامل سازمانی. و کارگزاران ناامنی (غیرخودی) از این قرارند: یک. عوامل ماورایی مثل ابلیس. دو. عوامل انسانی از قبیل رهبران طاغوتی، نخبگان (فکری و ابزاری) وابسته به آن و مردم پیرو هوی و هوس. سه. عوامل سازمانی مثل دولت‌های فرعونی. (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹)

۶-۳) روش‌های تحصیل امنیت: نگارنده مبحث مفصلی از کتاب را به این بخش اختصاص داده است به نحوی که فصل چهارم کتاب به نوعی به تشریح متغیرهای امنیت‌ساز در مکتب امام خمینی پرداخته است. در این فصل، حکومت، هویت و معنایابی به‌عنوان متغیرهای کلان امنیت‌ساز مورد مذاقه قرار گرفته‌اند. (خسروی؛ ۱۳۹۱: ۲۲۰-۱۴۵)

ره‌پیک معتقد است که هر نظریه‌پرداز امنیتی با توجه به اجزا و بخش‌های مختلف نظریه خود، باید تعیین کند که چه شخص یا نهادی بهترین تأمین‌کننده امنیت است و با چه روش، شیوه یا ابزاری امنیت را تأمین می‌کند. ره‌پیک ابراز می‌دارد که در اندیشه امام خمینی (ره) از منظر درونی، می‌توان منابع تأمین امنیت را در دو مورد «وحدت» و «ایمان و معنویت» خلاصه کرد. بر اساس نظرات حضرت امام خمینی، شیوه‌های تأمین امنیت باید با رویکرد امنیت درونی و امنیت از پایین به بالا تناسب داشته باشد. این رویکرد از آن‌جا در اندیشه امام اصالت دارد که انقلاب اسلامی، انقلابی مردمی و اسلامی است که با «حضور ملت» تکوین یافته است. شیوه تأمین امنیت، ترجمان عینی و اجتماعی - ملی این رویکرد است که می‌توان آن را به‌عنوان «الگوی مردم‌محور» متبلور دید که در این صورت، الگوی نرم‌افزارگراست و اجزای آن عبارتند از «پشتیبانی مردم از نظام اسلامی»، «دخالت مستقیم مردم در امور سیاسی»، «تفاهم ملت و دولت» و «برخورداری نظام اسلامی از پایگاه مردمی». با این نوع رویکرد امام، در منابع امنیت و نیز روش‌های تأمین آن مؤکداً بر عناصر درونی اصرار می‌ورزند و در کنار استفاده از نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی به دخالت مستقیم و غیرمستقیم مردم در امنیت اعتقاد دارند. (ره‌پیک؛ ۱۳۸۹)

گروه مطالعاتی امنیت معتقد است که در نظریه امنیت در جمهوری اسلامی، می‌توان به تأمین‌کنندگان مختلف امنیت برخورد کرد. از یک سو دولت به معنای عام به صورت رسمی وظیفه تأمین امنیت را بر عهده دارد. از سوی دیگر نهادهای امنیتی مانند نیروهای مسلح و نیروی انتظامی، امنیت ملی و داخلی را تأمین می‌نمایند. اما از طرف دیگر مردم نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در تأمین امنیت دخالت دارند. دکنترین بسیج عمومی که توسط بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران طرح شد و در جنگ تحمیلی کارکرد و نقش کاملاً مؤثری داشت، به‌عنوان یک اصل و سیاست مهم در حوزه امنیت ملی و عمومی مورد پیگیری قرار گرفت. (گروه مطالعاتی امنیت؛ ۱۳۸۷)

لک‌زایی معتقد است منابع تأمین امنیت برای انسان عاقل، در وهله اول، منابع نرم و پس از آن ابزارهای سخت خواهد بود. در برخی از الگوهای ارائه شده که مورد تأیید امام نیز بوده است، تولید امنیت نرم مشتمل بر صد مرحله است که با «یقظه» آغاز و با «توحید» پایان می‌یابد. (لک‌زایی؛ ۱۳۸۹) سطح دوم از مواد تولید کننده امنیت، مواد دانشی است که با عنوان مبانی معرفت‌شناختی و روش‌شناختی نیز از آن یاد می‌شود. بخشی از مواد تولید کننده امنیت نیز در حوزه سخت‌افزار معنا می‌یابد. (همان)

۳-۲) راه‌کارهای استراتژیک امنیتی: نویسنده در مطالبی که ذیل مزیت امنیتی مکتب امام خمینی آورده است، «ابتنای این مکتب بر دین و ایمان و قدرت فائقه و مطلق» را مهم‌ترین مزیت مکتب خوانده است و ملموس‌ترین و قابل مشاهده‌ترین مزایای امنیتی مکتب امام را در وهله اول ظرفیت ناشی از تکلیف محوری و دوم احدی‌الحسنین می‌داند و آن را منطق حاکم بر مکتب امنیتی امام خمینی معرفی کرده است (خسروی؛ ۱۳۹۱:۳۰۹-۳۰۷). از طرفی نویسنده کتاب رویکردهای امنیتی امام را متناسب و متناظر با اصول محوری این مکتب می‌داند و از این رویکردها راهبرد کلان مکتب امنیتی امام را در «بازدارندگی» خلاصه می‌کند.

لک‌زایی با متفاوت دانستن علت غایی و مرجع امنیت، هدف امنیت و علت غایی آن‌را ایجاد زمینه کمال انسان از طریق عبودیت و به منظور قرب الهی می‌داند (لک‌زایی؛ ۱۳۹۱).

۳-۸) سایر مبانی: در کتاب حاضر، نویسنده به مبانی دیگری اشاره دارد که در این موارد نیز می‌توان برداشت‌های نویسنده را با سایر برداشت‌ها از اندیشه‌های امام راحل تطبیق داد. این مبانی عبارتند از:

۳-۸-۱) اهداف امنیت: آنچه نویسنده به‌عنوان اهداف امنیت در اندیشه‌های امام ذکر کرده‌اند و به آن‌ها اشاره شد با برداشت‌های امیرخانی تطبیق دارد. امیرخانی نیز ذیل بند اهداف امنیت، برداشت خود را از دیدگاه امام به این‌گونه بیان می‌نماید: «یکپارچگی جهان اسلام و شکل‌گیری امت واحده اسلامی و تشکیل حکومت جهانی اسلام، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و دین نبوی، حمایت مجدانه از مستضعفان و مظلومان جهان و گسترش اسلام نبوی و تشیع علوی در سراسر گیتی در راستای زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور امام عصر (عج) و زمینه‌سازی برای جریان‌یابی کامل هدایت الهی در جامعه بشری را می‌توان از اهداف امنیتی امام نام برد.» (امیرخانی؛ ۱۳۹۰)

۳-۸-۲) مرزهای امنیتی: همانگونه که قبلاً اشاره شد، به اعتقاد نگارنده، مرزهای امنیتی مد نظر مکتب امام، مصالح اسلام و مسلمین است. این برداشت با نقطه نظر و برداشت امیرخانی از مرزهای امنیتی در مکتب امام سازگار است. چراکه وی نیز مرزهای امنیتی مکتب امام را معطوف به جامعه بشری می‌داند و معتقد است که تعریف امام از امنیت، امنیت ایران، جهان اسلام، جهان مستضعفان و مظلومان از هر ملت و نژادی است. اگرچه مرز ضرورت دارد اما اصالت با عقیده است (همان).

۳-۸-۳) روش‌شناسی امنیتی: برداشت محقق از اندیشه‌های امام که منجر به کشف روش‌شناسی امنیتی امام شده‌است، برداشتی منحصر به فرد است که لاقلاً سایر محققین به صراحت به آن اشاره نکرده‌اند.

۳-۸-۴) تهدیدات امنیتی: این مؤلفه از آن دسته مؤلفه‌هایی است که در این کتاب مورد بحث قرار نگرفته است. امیرخانی با اشاره به فرمایش امام که می‌فرمایند: «از خارج ترسید، تا داخل آسیبی نبیند، از خارج نباید ترسید، از داخل بترسید...» منشأ اصلی تهدیدها و آسیب‌ها را درون‌زا (فردی و اجتماعی) می‌داند (امیرخانی؛ ۱۳۹۰)

کریمی و همکاران معتقدند که آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی از نظر امام (ره) متنوع و چندوجهی است و مهم‌ترین آن عبارتست از: تهدیدات سیاسی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات نظامی و تهدیدات فرهنگی- اجتماعی. برخی از این تهدیدات که در قالب تهدیدات سیاسی می‌گنجد عبارتند از: وابستگی کارگزاران به شرق و غرب- حکومت بر بدن‌ها نه قلب‌ها- کاخ‌نشینی و رفاه‌زدگی مسئولین- بی‌تفاوتی سیاسی- انفعال و کاهش حضور مردم در انتخابات- درماندگی گفتار و کردار مسئولین- تضعیف ارگان‌ها و سازمان‌های دیگر- اجتناب از انحصارگرایی صنفی در مسائل سیاسی- تفاوت بین رأی توده‌ها با رأی خواص و نخبگان- بی‌ثباتی سیاسی و اختلافات داخلی- کناره‌گیری، ضعف و تضعیف روحانیت- آسیب رساندن به انقلاب با استفاده از نیروهای داخلی- قانون‌گریزی- خوش‌بینی به ابرقدرت‌ها- دولت آمریکا- سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی (کریمی و همکاران؛ ۱۳۸۹).

۳-۸-۵) محیط امنیتی: این مؤلفه نیز در این کتاب مورد بحث واقع نشده است. عمیدزنجانی و همکاران در بررسی اولویت‌های محیط‌شناسی امنیت در منظر امام خمینی (ره) به این نکته دست‌یافتند که مهم‌ترین محیط امنیت در بیانات امام، به محیط ملی اختصاص دارد که امنیت محلی، مرزی، شهری و روستایی را نیز شامل می‌شود. ایشان از امنیت کشورهای اسلامی نیز غافل نبوده‌اند و در واقع آن‌را عقبه نظام یا به تعبیر دیگر خط مقدم جبهه انقلاب اسلامی ایران دانسته‌اند. محیط جهانی نیز با رویکرد امنیت مستضعفین جهان در تفکرات ایشان تأمین کننده امنیت ملی است. (عمیدزنجانی؛ اسلامی؛ ۱۳۹۰)

نتیجه‌گیری:

کتاب مکتب امنیتی امام خمینی (ره) که به قلم دکتر علیرضا خسروی به رشته تحریر درآمده و توسط انتشارات ابرار معاصر تهران به چاپ رسیده است، بررسی، معرفی و نقد شد. علیرغم مزایای متعدد این کتاب که نشان‌دهنده تلاش وافر نویسنده است، نواقصی نیز دارد که در این‌جا با نگاه نقادانه به آن پرداخته شده است. بخشی از نواقص موجود صوری و برخی محتوایی است.

با عنایت به این‌که این کتاب در جایگاه معرفی و ارائه یک مکتب یا نظریه امنیتی لازم است به سؤالات مرتبط با مؤلفه‌های امنیتی پاسخ دهد. این مؤلفه‌ها عبارتند از: مفهوم امنیت- ابعاد امنیت- مرجع امنیت- سطح امنیت- دوست و دشمن (خودی و غیرخودی)- روش‌های تحصیل امنیت- راهکارهای استراتژیک امنیتی که ملاک بررسی این کتاب قرار گرفت. در این بررسی مشخص شد:

۱) علیرغم ارائه مطالب گسترده راجع به مفهوم امنیت در این کتاب، در نهایت تعریف ساده‌ای یا بسیط از امنیت ارائه نشده است.
۲) به ابعاد امنیت به صورت تفصیلی پرداخته نشده و فقط نامی از این ابعاد آورده شده است. این نوع نگرش با نظریات درویشی، لکزایی و امیرخانی در این خصوص همخوانی کامل ندارد.

۳) مرجع امنیت که در این کتاب معرفی شده است با نظریات گروه مطالعاتی امنیت و امیرخانی تقریباً هم‌راستا است ولی با نظریات لکزایی همخوانی ندارد.

۴) سطح امنیت ارائه شده توسط نگارنده، با مطالعات لکزایی و امیرخانی همخوانی نیست.

۵) نگارنده به موضوع دوست و دشمن (خودی و غیرخودی) اشاره مستقیمی ندارد ولی آن‌چه هم که در لابلای متون به آن پرداخته شده است، با نظریات لکزایی یکسان نیست.

۶) نویسنده کتاب به صورت تفصیلی به روش‌های تحصیل امنیت پرداخته است، اما آن‌چه ایشان ارائه کرده‌اند با نظریات ره‌پیک و لکزایی یکسان نیست اما با نظریات ارائه شده توسط گروه مطالعاتی هم‌راستا است.

۷) راه کار استراتژیک امنیتی: از نظر نگارنده راهبرد کلان امنیتی امام خمینی «بازدارندگی» است. این موضوع با نظریه لکزایی یکسان نیست.

۸) اهداف امنیت: آن‌چه نویسنده در این مبحث ارائه کرده است با برداشت‌های امیرخانی از کلام امام یکسان است.

۹) مرزهای امنیتی: برداشت‌های نویسنده در این مبحث نیز با برداشت‌های امیرخانی سازگار و منطبق است.

۱۰) روش‌شناسی امنیتی: برداشت محقق از اندیشه‌های امام که منجر به کشف روش‌شناسی امنیتی شده‌است، برداشتی منحصر به فرد است که توسط سایر محققین به صراحت به آن پرداخته نشده است.

۱۱) تهدیدات امنیتی توسط نگارنده مورد بحث قرار نگرفته است. این در حالی است که امیرخانی و کریمی در مطالعات اندیشه‌های امام به نظریاتی دست یافته و ارائه کرده‌اند.

۱۲) محیط امنیتی نیز از موضوعاتی است که توسط نگارنده به آن پرداخته نشده است. این در حالی است که عمید زنجانی با بررسی اولویت‌های محیط‌شناسی امنیت از منظر امام خمینی، نظریات خود را اعلام کرده است.

منابع مورد مطالعه و استفاده شده در نقد:

- امیرخانی، کاوه (۱۳۹۰). «مکتب امنیتی امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۴، شماره ۴، زمستان.
- درویشی، فرهاد (۱۳۸۹). «ابعاد امنیت در اندیشه و آراء امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۳، شماره ۳، پاییز.
- ره‌پیک، سیامک (۱۳۸۹). «منابع و شیوه‌های تأمین امنیت در اندیشه امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۳، شماره ۳، پاییز.
- عمیدزنجانی، عباسعلی؛ اسلامی، علیرضا (۱۳۹۰). «اولویتهای محیط‌شناسی امنیتی از نگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک. سال ۱۱، شماره ۴۴، تابستان.
- کریمی (مله)، علی (۱۳۸۳). «تأملی معرفت‌شناسانه در مسئله امنیت ملی از نگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۷، شماره ۴، زمستان.
- کریمی (مله)، علی؛ بابایی، اکبر؛ امیرخانی، کاوه (۱۳۸۹). «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۳، شماره ۳، پاییز.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). «نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران». تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۸۹). «فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۳، شماره ۳، پاییز.
- لک‌زایی، نجف (۱۳۹۳). «امنیت متعالیه». فصلنامه سیاست متعالیه. سال ۲، شماره ۵، تابستان.
- محبوبی، قربانعلی؛ عزیز موسوی، علیرضا؛ الماسی، سعید (۱۳۹۲). «امنیت اجتماعی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره)». فصلنامه دانش انتظامی زنجان. سال ۳، شماره ۷، تابستان.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ

گردآوری: دفتر کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی